

دوره آغاز فقه

و

فقه‌های امامیه

سید محمد کاظم امام

معلم دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران

و مترجم کتابخانه ملی ملک

تهران - ایران

صدر اول - اصول اربعمائنه

نخستین گروه فقهاء (علما و مراجع شرعیه فرقه امامیه) - بعد از ائمه علیهم السلام - اصحاب ائمه و تابعان ایشان میباشند. و تابعان، یعنی کسانی که معاصر زمان ائمه هدی میزیسته‌اند، و دورادور، دستورهای ائمه را از زبان اشخاص موثق دیگر شنیده و عمل مینموده‌اند. این گروه سمت پیشرو، پیشوا و بنیادگذار و رهبری داشته‌اند. و بالضروره دوره کامل و جامع فقه امامیه بر پایه کارهای علمی این گروه بنیاد گردیده است. اما کارهای علمی و شرعی این گروه: اولین کار این دسته از فقهای امامیه فراهم نمودن «اصول» میباشد، چون این افراد بیشتر از صحابه ائمه (ع) بوده‌اند هر کدام در محل و مراکز خود مرجع سایرین و عامه امامیه بوده و در مواقع احتیاج و در هنگام برخورد به «الحوادث الواقعه» شخصاً بحضور ائمه یا صحابی مورد اعتماد و موثق رسیده و هر چه را که از احکام شرعیه و فروع فقهیه از امام عصر خود می‌شنیدند در دفترچه‌های یادداشت خود، ثبت و ضبط مینمودند.

این افراد، دفترچه‌هایی داشتند که برای ثبت این چنین مسائل اختصاص داشت، این دفترچه‌ها تبویب و ترتیبی نداشت، صاحب آن گاهی سؤالی درباره یک یا چند مسأله از مسائل فقهیه از عبادات، نکاح، واریث و دیات و غیره که بر حسب پیش آمد و اتفاق مورد احتیاج واقع شده پرسیده

و جواب شنیده و در دفتر، ثبت می نمود و گاهی از زبان صحابی دیگر مطالبی درباره احکام شرعی، فروع فقهی، اخلاق و یاتواریخ ولادت و وفیات ائمه و مناقب و غیره شنیده بودند و در همان دفترچه ثبت و ضبط می کردند. و از نگارش این دفترچه های یادداشت بدین نحو پس از مدتی چندین مجموعه یا کتابچه های حقوقی جنگ مانند، مشتمل بر: احکام شرعی، فروع فقهیه، اخبار موالید و وفیات، اخلاق و مناقب بوجود آمد.

مندرجات این دفترچه ها (چنانکه گفته شد) یا بلاواسطه از لسان خود امام، و یا مع الواسطه و سینه بسینه از زبان اشخاص موثق و معتمد شنیده شده بود.

و بالاجمال: طبقه اول از محدثین و فقهای شیعه امامیه اثناعشریه اصحاب ائمه هدی بوده اند، آثار این طبقه تعدادی دفتر است که هر یک از اصحاب آنچه را از مسائل و فروع فقهی و اخبار ولادت و وفیات و مناقب و احادیث دیگر بلاواسطه شخصاً از امام زمان خود شنیده است یا مع الواسطه - بواسطه اصحاب دیگر - شنیده است در دفتری درهم و بدون ترتیب ثبت و ضبط کرده است، این دفترها بعدها بعنوان: «اصل» معروف گردیده و چون شماره آنها در حدود چهارصد بوده به: «اصول اربعمائه» معروف گردیده است.

جمعی نیز معاصر زمان غیبت صغری بوده و هرچه را که از وکلای امام (نواب اربعه) مع الواسطه یا بلاواسطه شنیده ثبت و ضبط نموده اند. جمعی نیز اصول خود را بعد از زمان غیبت کبری یا از شنیده هائی - که از زبان مطلعین شیعه جمع آوری نموده - فراهم آورده اند.

شماره اصول:

گویا شماره چهارصد، عدد حقیقی و قطعی نمیباشد بلکه این اصول

دارای شماره نزدیک یا کمی بیشتر از چهارصد بوده بهمین جهت برای سهولت تعبیر «اصول اربعمائه» گفته‌اند: بهرحال وجهی برای کلمه «چهارصد» درجائی بنظر نرسید.

مندرجات اصول:

مندرجات و محتویات اصول منحصر باحکام شرعیه و مسائل و فروع فقهیه نبوده بلکه: شرح احوال، میلاد، وفیات، اخلاق، مناقب‌نامه علیهم‌السلام و برخی از بزرگان علما و فقهای صدراول امامیه را در بر داشته‌است.

شیخ طوسی در کتاب «فهرست» در شرح احوال و آثار علم‌الهدی میگوید: «علی بن الحسین بن . . . علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم اجمعین، کنیت: (ابوالقاسم) المرتضی الأجل علم‌الهدی رضی الله عنه. و فی الأصل - یعنی: اصلی که شیخ طوسی احوال سیدمرتضی را از آن نقل میکند - «طَوَّلَ الله عمره، و عَضَّدَ الإسلام و اهله ببقائه، و امتداد ايامه، مجمع علی فضله مقدم فی علوم مثل علم الکلام والفقه و اصول الفقه، والأدب» معلوم میشود که این اصل در زمان خود سیدمرتضی نگاشته شده که با عبارت: «طَوَّلَ الله عمره و عَضَّدَ الإسلام و اهله ببقائه و امتداد ايامه» دعا میکند.

صاحبان اصول:

صاحبان اصول جمعی از صحابه و معاصرین ائمه و وکلای اربعه و تابعین آنها در ازمنه غیبت صغری و کبری بوده‌اند.

شیخ طوسی اسامی جمعی از صاحبان اصول را در «فهرست» خود یاد کرده‌است. برای نمونه اسامی عده‌ای از آنان در اینجا یاد

می‌شود^۱:

له اصل	سعيد بن يسار	له اصل	اسماعيل بن محمد
»	بشر بن مسلمة	»	اسحق بن عمار الساباطي
»	بشار بن يسار	»	جابر بن يزيد الجعفي
»	اسباط بن سالم	»	سليم بن قيس الهلالي
»	اسحق بن جرير	»	جميل بن دراج
»	نرسی	»	داود بن فرقد
»	علي بن مهزيار اهوازي	»	علي بن زئاب
»	عمر بن اذينة	»	ابان بن تغلب
		»	ابي نصر البزنطي

له كتاب يُعَدُّ في الأصول

باید دانست اهمیت این اصول، تنها نه از برای این است که این اصول منشأ فقه امامیه و مراجع فقهای صدر اول بوده‌اند و نه از برای جامعیت آنهاست بلکه صرفاً اهمیت این اصول برای اعتبار و سندیت آنها می‌باشد، محدثین شیعه این اصول را يك جا و درست بعنوان: «اصل فلان» روایت نموده و بر آن عمل کرده‌اند.

وبهمین علت، در همان اوان بعضی از محدثین و فقهای شیعه کتابهایی نوشته‌اند که چون معتبر و درست و يك جا مورد عمل بوده و روایت می‌گردیده‌است لذا این گونه کتب را هم در عداد اصول اربعمائه قرار داده‌اند. چنانکه مثلاً «شیخ طوسی درباره: ((الحسین بن ابی العلاء)) میگوید: «له كتاب يُعَدُّ في الأصول».

۱- فهرست شیخ طوسی - معالم العلماء ابن شهر آشوب - رجال نجاشی

نخستین گروه صاحبان کتب فقه و حدیث شیعه :

در دوره بعد جمعی از محدثین و فقهاء شیعه امامیه به فراهم نمودن کتابهایی درمسائل و احکام فقهی و غیره پرداختند .

فرق میان اصول و این کتابها این است :

هر اصل مشتمل می باشد بر آنچه که از مسائل حلال و حرام و فروع فقهیه، صاحب اصل از مأخذ یکی از ائمه معالواسطه یا بلاواسطه شنیده و در آن دفتر جمع آوری نموده است .

و اما این کتابها ، هر چه صاحب کتاب در مورد یکی از موضوعات و ابواب فقهی یا مناقب یا مثالب یا تاریخ موالید و وفیات ازائمه علیهم السلام - معالواسطه یا بلاواسطه - از روایات و اصحاب ائمه و محدثین شنیده در یک دفتر ثبت و ضبط نموده است . چنانچه :

حمدان بن سلیمان النیسابوری له کتاب

حمدان بن عیسی له کتاب النوادر

بندار بن عاصم الذهلی له کتاب المثالب

الحسن بن جهم بن بکیر له مسائل

الحسن بن محبوب السمرادی یا الزرادی (که در عصر خود یکی از ارکان

اربعه بوده است)^۲ له کتاب النوادر ، کتاب الحدود ، کتاب المشیخه ، کتاب النکاح .

اعتبار و روایت این کتابها :

این کتابها یکجا و درست - مانند اصول - روایت میشده است اما اعتبار آنها باعتبار و توثیق صاحب آن کتاب منوط بوده است، بویژه آنکه

در آن عهد که انقلابات فکری و تبلیفات فِرَق بشدت رواج داشته است برخی از صاحبان این کتابها در نزد محدثین شیعه زمانی ثقه و صاحب اعتبار بوده و بعد در اثر تمایل بیکی از فِرَق مخالفین در نظر علمای شیعه از اعتبار ساقط شده است .

چنانکه برای نمونه: شیخ طوسی درباره یکی از این افراد مینویسد:
 «طاهر بن حاتم بن ماهویه کان مستقیماً ثم تفسیر و اظهر القول بالفلو»
 وله روایات اخبارنا بروایاته فی حال الإستقامة جماعة»^۳ .
 و همو درباره دیگری مینویسد:

«محمد بن احمد بن الجنید یکنی ابا علی و کان یری القول بالقیاس
 فترك لذلك کتبه ولم یعول علیها وله کتب کثیرة منها ...»^۴ .

اجتهاد - علم اصول الفقه

طبق عقاید حقه فرقه شیعه امامیه اثناعشریه پس از وفات رسول اکرم تا زمان غیبت که دسترسی به جانشینان و خلفای او (ائمه علیهم السلام) امکان پذیر بوده است اصطلاحاً میگویند در این فترت «باب علم مفتوح بوده» زیرا هرگاه به احکام شرعیه نیازمند می گردیدند به شخص امام یا صحابه مورد اعتماد امام یا بوکلاء و نواب و عمال ائمه در جهات ، مراجعه و از حکم شرعی و مسأله فقهی آگاهی حاصل میکردند .

در این دوره - از وفات رسول اکرم تا غیبت - در مذاهب عامه و جمهور اجتهاد فقها جائز و رایج بوده، اما در مذهب خاصه یعنی شیعه امامیه چون: اجتهاد ظنی الطريق میباشد اعتباری ندارد، زیرا: باب علم

۳- فهرست شیخ طوسی

۴- فهرست شیخ طوسی

مفتوح و «طریق قطعی» بازاست، و بالبداهه طریق قطعی مقدم بر طریق ظنی است.

تا اواخر دوران غیبت صغری یعنی تا زمان سمری چهارمین وکیل (از وکلا و نواب اربعه^۵) این رویه فقهی نیز معمول بوده یعنی فقها باجتهاد خود عمل نمیکردند، زیرا گرچه بواسطه غیبت صغری^۱ دستشان به امام نمیرسید، اما وکیل منصوب و منصوص او که حاضر بود مثل این است که خودش حاضر است، اما از اواخر دوره وکلای اربعه، و از زمان چهارمین وکیل یعنی: **ابوالحسن علی بن محمد السمری** رویه: «اجتهاد» بنیاد فقه بر اصول عقلیه در نزد فقهای شیعه رواج یافت. و «علم اصول فقه» را به عنوان مجموعه معلوماتی که فقیه در تشریع و استنباط احکام بآنها نیازمند میباشد قبول کردند.

پیدایش اجتهاد و عمل به اصول عقلیه و بنیاد فقه بر «رای» در فقه امامیه:

پس از پایان دوره وکالت وکلای اربعه و شروع غیبت کبری تا یکی دو قرن فقها و علمای شیعه امامیه روش فقیه اخباری را داشته اند، و اصول

۵- نواب اربعه، کسانی هستند که در زمان غیبت صغری رابط میان شیعیان و امام (ع)

بوده اند، و ایشان بترتیب عبارتند از:

- (۱) ابو عمرو، عثمان بن سعید سمان
- (۲) ابو جعفر، محمد بن عثمان عمری فرزند شخص سابق الذکر، متوفی بسال ۳۰۵ یا ۳۰۴
- (۳) ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی متوفی بسال ۳۲۶
- (۴) ابوالحسن، علی بن محمد سمری، متوفی بسال ۳۲۹

عقلیه و رأی را در فقه بهیچ وجه راه نمیدادند و بهمین جهت به «علم اصول فقه» - که فقه‌های سنت و جماعت بنیاد نهاده بودند و براساس قواعد آن علم به تشریع احکام فقهی می‌پرداختند - توجهی نداشته‌اند و حتی کلمه «تشریع» را مانند کلمه «بدعت» پنداشته و آنرا حرام میدانستند.

اما همان معضلات و مشکلاتی که فقه‌های عامه را مجبور به پیروی از (رأی) و اصول عقلیه نموده بود، یعنی پیدایش یک رشته بی‌پایان از مسائل و فروع فقهیه در «حوادث واقعه» فقه‌های شیعه امامیه را نیز مجبور نموده که قید «اکتفاء به اخبار» را از دست و پای افکار علمی خود باز کرده آنان نیز برای حل و فصل معضلات فقهی و فروع مسائل و وجود دشواریهای لاینحل دست نیاز را بسوی (علم اصول فقه) و اصول عقلیه دراز کنند بویژه آنکه پیش از ایشان فقه‌های عامه با استفاده از رأی و اصول عقلیه به حل و فصل بسیاری از فروع و مسائل فقهی نائل گردیده بودند، بقای فقه‌های شیعه در آن تنگنای قیود دیگر جاز نبود.

نخستین فقیه امامی که به اجتهاد عمل کرد:

میگویند نخستین کسی که از فقه‌های شیعه امامیه عقاید فقهی را بر پایه اجتهاد و استفاده از اصول عقلیه و رأی بنیاد نهاد یا عبارت آخری از جمله اولین کسانی که باب اجتهاد را بمصراعیه بر روی فقه و فقه‌های شیعه امامیه باز کردند این دو فقیه بزرگ را باید نام برد:

۱- حسن بن علی العمّانی

۲- محمد بن احمد بن جنید اسکافی

این دو فقیه بزرگ از فقه‌های امامیه طریقه اجتهاد را در فقه شیعه پایه‌گذاری نموده و علم اصول فقه را برای بنای فقه جامع و کامل امامیه

مورد استفاده قرار دادند. **اسکافی** در این امر از **عُمّانی** پیروی کرد، زیرا **عُمّانی** در این کار پیشرو بود، و **اسکافی** تا اندازه‌ای زیاده‌روی کرد و عمل به «قیاس» و استنباطات ظنی را نیز صحیح دانست با اینکه قیاس از اصول عقلیه است که نزد فقهای امامیه مردود می‌باشد.

این دو فقیه بزرگ‌ترا شیخ طوسی در کتاب: «فهرست» نام برده و در باره ابن جنید می‌گوید:

«محمد بن احمد بن الجنید، یکنی ابا علی و کان یری القول بالقیاس فترك لذلك کتبه ولم یعول علیها وله کتب کثیرة منها»^۶.

و **عُمّانی** مشهور به **ابن ابی عقیل** علاوه بر مقام فقاہت از نامداران و بزرگان متکلمین شیعه امامیه است، و کتاب: «التمسک بحبل آل الرسول» از تصنیفات او می‌باشد.

عُمّانی و **ابن جنید** از نخستین فقها بوده‌اند که فقه را تهذیب نمودند طریقه اجتهاد و عمل به اصول فقه و ادله عقلیه را در فقه امامیه معمول به قرار دادند، و باب اجتهاد را نزد شیعه از اواخر غیبت صغری مفتوح ساخته، در این کارها **عُمّانی** پیشرو و **اسکافی** پیرو او بود. و این هردو تن از بزرگان فقها و محدثین طبقه هفتم^۷ بشمار می‌روند،

۶- فهرست شیخ طوسی

۷- علمای عامه چنانکه ابن حجر می‌نویسد: محدثین عامه را به ۱۲ طبقه تقسیم و طبقه

پندی کرده‌اند بدین تفصیل:

۱- صحابه رسول اکرم با اختلاف مراتب ایشان.

۲- بزرگان تابعین مانند سعید بن المسیب

۳- طبقه وسطی یعنی متأخرین از بزرگان تابعین مانند: حسن بصری و ابن سیرین.

حاشیه صفحه ۲۰

۴- کسانی که پس از بزرگان تابعین آمدند و اکثر روایات ایشان از بزرگان تابعین می‌باشد مانند: زهری، قتاده .

۵- طبقه پائین‌تر از گروه چهارم مانند: اعمش .

۶- طبقه ابن جریج و امثال او .

۷- اتباع بزرگان تابعین مانند مالک و ثوری .

۸- طبقه بعد از طبقه ۷ مانند: ابن عیینة و ابن عنبسة .

۹- دسته سوم از اتباع تابعین مانند: شافعی و ابوداود الطیالسی

۱۰- آنهایی که از اتباع تابعین اخذ حدیث کرده‌اند مانند: احمد بن حنبل .

۱۱- طبقه بعد از طبقه دهم مانند: ذهلی و بخاری

۱۲- طبقه بعد از طبقه ۱۱ مانند: ترمذی.

بعضی از علمای شیعه گویا به پیروی از اهل سنت طبقات محدثین و فقهای شیعه امامیه را نیز بر دوازده طبقه تقسیم کرده‌اند و اما اهل تشیع برخلاف عامه دوازده طبقه را از آخر به اول بدین تفصیل نوشته‌اند :

طبقه اول شیخ طوسی و نجاشی و امثال ایشان

طبقه دوم: شیخ مفید و ابن‌الفضائری و امثال ایشان

طبقه سوم: شیخ صدوق و امثال او

طبقه چهارم: شیخ کلینی و امثال او

طبقه پنجم: شیخ محمد بن یحیی و احمد بن ادریس و امثال ایشان

طبقه ششم: محمد بن عیسی و احمد بن محمد بن خالد البرقی و امثال ایشان

طبقه هفتم: حسن بن علی الوشاء و امثال او

طبقه هشتم: محمد بن ابی عمیر و صفوان یا اصحاب موسی بن جعفر (ع) و امثال ایشان

طبقه نهم: اصحاب ابی‌عبدالله الصادق (ع)

و چنانچه نجاشی میگوید: عثمانی از مشایخ جعفر بن محمد بن قولویه^۸ و ابن جنید از مشایخ مفید^۹ بوده است.^{۱۰}

→

طبقه دهم: اصحاب ابی جعفر الباقر (ع)

طبقه یازدهم: اصحاب علی بن الحسین (ع)

طبقه دوازدهم: اصحاب الحسین و امیر المؤمنین (ع) .

(روضات خوانساری، ص ۵۳۸)

۸- ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه قمی :

یکی از فحول فقهاء و محدثین قداماء شیعه امامیه است، و گاهی هم در کتب فقهیه از او به: «صدوق» تعبیر میکنند. وی از بزرگان مشایخ اجازه و استادان شیخ مفید بوده و والد او محمد بن جعفر از جمله مشایخ کثی، و از اخیر اصحاب سعد بن عبدالله القمی بوده است، ابن قولویه از شیخ کلینی روایت حدیث می کرد .

وی در سال ۳۶۸ هـ. درگذشت. صاحب ریاض العلماء میگوید: ابن قولویه در قم مدفون است، و اکنون (زمان مؤلف ریاض العلماء) قبر او مشهور و مزار است.

اما صاحب روضات الجنات مینویسد : قبر قولویه در جنب قبر شیخ مفید در کاظمین (عراق) است و جمع بین این دو قول آنست که ابن قولویه مدفون در قم محمد بن جعفر و مدفون در کاظمین ، فرزندش جعفر بن محمد است .

شیخ طوسی در کتاب فهرست پس از توثیق ابن قولویه میگوید : وی تألیفات بسیاری به شماره کتب ابواب فقه دارد .

۹- رجال نجاشی

۱۰- مفید: ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العکبری الملقب بالمفید ، وی یکی از

فحول و اعظم محدثین و فقها و متکلمین شیعه امامیه است، ولادت او در ۱۱ ذیقعد سال ۳۳۶ اتفاق افتاده، و در شب جمعه سوم رمضان سال ۴۱۳ هـ. در شهر بغداد درگذشت، و سید مرتضی

باری اسکافی و عمانی بواسطه امتیازاتی - که گفته شد - وبواسطه قدمت زمانی هردو در کتب فقهیه و نزد محدثین به: «القدیمین» مشهور میباشند.^{۱۱}

→

علم الهدی در میدان «اشنان» بغداد بر او نمازگذازد و سالها در خانه خودش در بغداد مدفون بود آنگاه جنازه او را به «مقابر قریش» - کاظمین - انتقال داده و در باین پای مرقد مبارک حضرات جوادین علیهم السلام و در جنب قبر ابوالقاسم جعفرین محمد بن قولویه بخاک سپردند. قبر او اکنون در رواق کاظمین (ع) موجود و مزار است .

۱۱- القدیمین :

(۱) ابو محمد حسن بن علی بن ابی عقیل العمانی : مشهور به: ابن ابی عقیل العمانی . وی یکی از بزرگان و قدمای فقه و متکلمین شیعه امامیه است، این عمانی نخستین کسی است از فقهای شیعه امامیه که طریقه اجتهاد و عمل با اصول عقلیه (اصول فقه) را در فقه شیعه امامیه جایز دانسته و بدان عمل کرد.

وی فقه شیعه امامیه را تهذیب نمود و بر مبنای (علم اصول) و اصول عقلیه که تا آن روز فقط علما و فقهای عامه بدان عمل میکردند، اجتهاد و استنباط را بنا نهاد، و از زمان او یعنی از اول غیبت کبری دیگر بوسیله او علم اصول در میان فقهای شیعه رواج یافت .

(۲) ابوعلی محمد بن احمد بن الحنید مشهور به اسکافی (اسکاف : شهری بوده در استان خوزستان بر کرانه اروندرود) از عمانی پیروی نموده و شالوده فقه و استنباط احکام را در فقه امامیه بر اصول عقلیه نهاد .

وی با ابی الحسن علی بن محمد السمری (یکی از سفرای اربعه) متوفی سال ۳۲۹ و با معزالدوله دیلمی، متوفی سال ۳۵۶ معاصر بوده است. معزالدوله در عهد این فقیه امامی در مرکز اهل سنت، یعنی بغداد، عامه مردم را مجبور نمود که در روز عاشورای حسین اقامه ماتم نموده عزاداری نمایند و گریه و زاری بر مصائب حسین (ع) بنمایند و همچنین در روز

←

بنیادگذار حقیقی: اجتهاد و علم اصول فقه در فقه امامیه :

اگرچه عمانی و اسکافی پایه اجتهاد و علم اصول فقه و عمل به ادله و اصول عقلیه را در فقه شیعه امامیه بنیاد نهادند، اما این دوتن - گرچه فضیلت پیشرو بودن را - داشته‌اند، اما از حیث پیشوائی بی‌بهره بوده و در این امر سمت زعامت نداشته‌اند، زیرا پیروانی پیدا نکردند و عقیده ایشان رواج نیافت .

فتاوی شیخ طوسی :

در حقیقت بنیادگذار اصلی علم اصول فقه و اجتهاد در نزد فقهای شیعه امامیه شیخ طوسی بوده است و برآستی او در این روش پیشرو ، رهبر ، پیشوا و استاد بوده است صاحب روضات نقلاً از محقق سبزوارى مینویسد : « علمای شیعه پیش از عهد شیخ طوسی میانه آنها اختلافات زیادی در مسائل و فروع فقهی نبوده است ، زیرا مدار عمل ایشان بر احادیث مندرجه در کتاب کافی بوده است و بس » و میانه احادیث کافی اختلافی وجود ندارد ، ولی وقتیکه شیخ طوسی مصنفات کثیره و متعدده خود را تصنیف کرد ، و احادیث مختلفه را در کتب متعدده جمع‌آوری نمود ، و شیخ در کتب متعدده خود فتاوی مختلفه‌ای اظهار کرد ، علما و فقهای امامیه بر اختلاف جرئت پیدا کردند ، و هر طایفه‌ای از فقهاء اقوالی موافق یکی از فتاوی^۱ و اقوال شیخ در یکی از کتبش اظهار نمودند ، ولی کمتر فتوی

→

عید غدیر خم جشن بگیرند و کوی و برزن رازینت دهند . مع الوصف در همین ایام این جنید عمل به اصول عقلیه و قیاس را که شیعه آنرا مردود میدانند - رواج داد ، از جمله تألیفات ابن جنید : « تهذیب الشیعه لاحکام الشریعة » در ۲۰ مجلد است .

و قولی پیدا میشد از فقها که خارج از یکی از فتاوی' و اقوال شیخ طوسی باشد، و یابایی از فتاوی' مختلف شیخ طوسی در یکی از کتبش موافق نباشد. زیرا هنوز فقهای امامیه (تازمان شیخ طوسی) جرئت این معنی را نداشته‌اند.

پیدایش کتب جامع و مبسوط و بزرگ حدیث

در نزد فرقه شیعه امامیه

از اواخر دوره غیبت صغری و از عهد سمری چهارمین سفیر از سفرای اربعه دامنه فقه و فقاہت و فتاوی' و روایت احادیث در نزد شیعه امامیه توسعه یافته و بطور روزافزون در حال گسترش و بسط بوده‌است بدیهی‌است که در چنین اوضاع و احوال به چندتا اصل مختصر درهم و برهم نمیتوان اکتفا نمود. این بود که برخی از بزرگان علما و محدثین شیعه برآن شدند که احادیث مرویه اهل البیت را که از طرف خاصه روایت شده - در مجموعه‌هائی منظم و مبوب ترتیب نمایند، و آن قسمت از اخبار را که مربوط به فروع فقهی‌است بترتیب ابواب فقهیه مبوب سازند و در مدت یک قرن تقریباً چندین مجموعه بزرگ حدیث بوجود آمد که از میان آنها چهار یا پنج‌تای آن کتب و مجموعه‌ها مقبولیت عمومی یافته و سند و مرجع فتاوی' فقها گردیده و معمول به‌ان نزد همه فقها واقع شد و از این رویه: «کتب اربعه» یا «کتب خمس» معروف و مشهور گردید.

گفته شد که پیش از پیدایش مجموعه‌های حدیث - از جمله کتب اربعه - هر یک از اصحاب ائمه هر چه از احادیث امام زمان خود شنیده بودند در یک دفتر جمع‌آوری کرده بودند، و آن دفترها مشتمل بر احادیث از عبادات و طهارت و معاملات، و صایا و دیات بوده‌است آنهم نامرتب و غیر

محبوب و هریک از این اصول بطور یکجا و درست بالمناوله یا بالمشافهه^{۱۲}

۱۲- گفته شد که روایت «اصول اربعمائه» میان صحابه و فقهای صدراول بطورمناوله یا مشافهه بوده و هراصل را یکجا و درست یا جمیع اخبار مندرجه در آن را اصحاب و فقهای صدراول میان خود مبادله مینموده اند یعنی هریک از صاحبان اصول نسخه ای از اصل خود را رونویس کرده و بیکی دیگر که مورداعتماد او بود داده و باو اجازه روایت و عمل بر مفاد آنرا داده است .

و اما مشافهه این بود که يك یا چند حدیث را سینه بسینه بهم دیگر می داده اند - اینك طرق روایت حدیث بالمشافهه یا بالمناوله :

۱- راوی یا شیخ (استاد) برای شنونده تمامی يك کتاب حدیث را قرائت نموده و به شنونده اجازه روایت آنرا چنانکه شنیده است بدهد. و این قسم را «سماع» نامند .

۲- راوی یا شیخ، بعضی از احادیث اوایل و اواسط و اواخر يك کتاب حدیث را قرائت نموده و بعد به شنونده اجازه روایت همه احادیث کتاب را بدهد .

۳- راوی یا شیخ، حدیثی را برای یکی از شاگردان یا شنوندگان خود بخواند و کسی دیگر سخنان و خواندن او را شنیده و آن حدیث را از آن راوی روایت کند .

۴- راوی یا شیخ، يك کتاب حدیث را (که خو شنیده یا روایت کرده و جمع آورده است) به کسی بدهد و باو اجازه روایت احادیث مندرجه در آن کتاب را بدهد، و این نوع روایت واستماع حدیث را در اصطلاح: «مناوله» می گویند .

۵- شیخ یا راوی صریحاً - شفاهاً و لساناً - بکسی اجازه روایت حدیثی یا يك کتاب حدیث را بدهد و این گونه روایت واستماع را در اصطلاح: «مشافهه» میگویند .

۶- شیخ یا راوی کتباً بکسی اجازه روایت يك حدیث یا يك کتاب حدیث را بدهد .

۷- راوی بطور «وجاده» حدیثی را روایت و نقل کند - یعنی: وی آن حدیث را در یکی از مدارك و مجامع نوشته دیده و آنرا روایت کند .

۸- بعکس اول، یعنی راوی يك حدیث یا يك کتاب حدیث را نزد راوی حدیث و کاتب آن یا نزد جامع کتاب قرائت نموده و اجازه روایت آنرا حاصل نماید، و این قسم را «قرائت» گویند

روایت می‌شده است .

و چون زمان تدوین موسوعات و مجموعه‌های بزرگ و جامع حدیث فرا رسید احادیث مندرجه در اصول مزبور را جمع‌آوری و بترتیب ابواب فقهی تدوین نمودند باین معنی که احادیث مربوط به یک از ابواب فقه را از اصول متعدده استخراج نموده و بترتیب ابواب کتب فقهیه از طهارت تا دیات تدوین می‌نمودند .

نتیجه و ضرر تقطیع اخبار :

در این میان برخی احادیث مشتمل بر چندین حکم و چندین فرع مختلفه از عبادات و معاملات و غیره بود ، راوی نزد امام رفته و مسائل و فروع مختلفه را پرسیده و جواب شنیده - بالضروره آن قبیل اخبار در این تبویب و تدوین تقطیع گردیده و هر قطعه آن مانند یک حدیث جداگانه در باب خود ندوین و ثبت و ضبط گردیده است .

خود این عمل تقطیع احادیث ، آیا به‌سندیت و اعتبار آن لطمه وارد ساخته است یا نه ؟ مورد بحث و اختلاف شدید میان علما می‌باشد ، این خود یک بحث مفصل و مبسوطی است و از همان زمان که این کار انجام گردیده فقها و اصحاب حدیث در این باره بحث و تحقیق بسیار کرده‌اند زیرا چه بسا یک حدیث مشتمل بر چندین فرع فقهی مربوط بابواب مختلف فقه که مورد احتیاج راوی بوده و از امام پرسیده و جواب شنیده بوده باشد ، و ممکن است در صدر حدیث و در خاتمه آن ، کلمه یا کلمات و عبارات و قرائنی باشد که مربوط به همه فروع مورد سؤال باشد اما پس از تقطیع ، قسمتی از اواسط حدیث ، از قرائن ، تجرید گردیده و حقیقت قصد متکلم مستور مانده باشد .

موسوعات و مجموعه‌ها و کتب جامع

فقه و حدیث پیش از کتب اربعه

پیش از چهار کتاب مشهور و جامع (کتب اربعه) و جامعین آنها یعنی پیش از شیخ کلینی و ابن بابویه و طوسی جمعی از محدثین و فقهای امامیه مبادرت بتصنیف و جمع و تدوین کتابهای جامع و کامل مَبْوُوبی در فقه و حدیث نموده بودند از جمله:

کتاب‌الثلثین از: حسین بن سعید اهوازی .

کتاب نوادرالحکمة از: محمد بن احمد اشعری قمی .

کتاب بصائر الدرجات از: محمد بن الحسن الصفار .

از این قبیل کتب در فهرست‌ها بسیار نام برده‌اند ولی جز معدودی از آنها باقی نمانده‌است .

کتب اربعه :

اینک شرح و تاریخچه ظهور کتب اربعه بترتیب پیدایش و تألیف و نشر آنها :

۱- کافی :

نخستین کتاب از کتب اربعه و اولین مجموعه و موسوعه مشهور حدیث که از اصول اربعمائه بر این نهج بوجود آمد، کتاب کافی تألیف ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحق الکلبینی رازی از اعظم و فحول محدثین و فقهای شیعه امامیه و از مردم شهر «ری» و نزلی «بغداد» میباشد . وی در مدت بیست‌سال در شهر «بغداد» این کتاب را جمع‌آوری و تدوین نموده‌است و در سال ۳۲۹ هـ. درگذشت و در محله «باب الکوفه»

بفداد بخاک سپرده شد . کلینی طبق فهرست شیخ طوسی که می‌گوید :
«توفی محمد بن یعقوب الكلینی سنة ثمان وعشرين و ثلثمائة ببفداد ودفن
بباب الکوفه قال ابن عبدون رأیت قبره فی صراة الطائی و علیه لوح مكتوب
علیه اسمه و اسم ابیه» در سال ۳۲۸ وفات کرده است .

مشخصات کافی :

کافی مشتمل بر سی کتاب (فصل) است و از «کتاب العقل والجهل»
آغاز گردیده و به «کتاب الوصایا» ختم میشود .
میگویند : جمیع احادیث کافی بر جمیع احادیث کتب صحاح ستّه
عامه زیادت دارد .

کافی مشتمل بر ۱۶۱۹۹ حدیث میباشد جمعاً و تقریباً بدین تفصیل :

۵۰۷۲	حدیث صحیح
۱۱۱۸	حدیث موثق
۳۰۲	حدیث قوی
۹۴۸۵	حدیث ضعیف
۲۲۲	حدیث زیارات و نوادر و متفرقه
۱۶۱۹۹	

۲- (من لایحضره الفقیه)

دوم از کتب اربعه کتاب من لایحضره الفقیه تألیف شیخ صدوق
ابوجعفر الثانی محمد بن ابی الحسن علی بن الحسین بن بابویه قمی مشهور به
«صدوق» از بزرگان فقه و محدثان شیعه امامیه و از نقّادان حدیث و
ساحبان بصیرت برجال حدیث میباشد .

صدوق در شهر «ری» اقامت داشت و در آن عصر بزرگترین شخصیت

و مرجع عمومی شیعه در «ری» و «خراسان» بوده است .
صدوق در سال ۳۵۵ هـ . از «ری» به «بغداد» رفت و در آن هنگام
 وی در سنین جوانی بود ، در بغداد شیوخ طایفه شیعه امامیه از او استماع
 حدیث نمودند : قریب سیصد جلد کتاب در مواضع مختلفه فقه و حدیث
 و رجال و غیره تألیف کرده است از جمله :

- ۱- کتاب من لایحضره الفقیه
- ۲- کتاب عیون اخبار الرضا
- ۳- کتاب معانی الأخبار
- ۴- کتاب الخصال
- ۵- کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه
- ۶- کتاب امالی: المجالس
- ۷- کتاب علل الشرایع والأحكام
- ۸- کتاب صفات الشیعه
- ۹- کتاب فضایل الشیعه
- ۱۰- کتاب اعتقادات
- ۱۱- کتاب مدینه العلم
- ۱۲- کتاب دعائم الاسلام

کتاب مدینه العلم :

بعضی از علما کتاب مدینه العلم صدوق را رقم پنجم کتب اربعه یا
 (کتب خمس) که مدار عمل فقها در جمیع اعصار بر آنها بوده است - محسوب
 داشته اند .

شیخ طوسی در کتاب فهرست خود میگوید : «کتاب مدینه العلم از
 کتاب من لایحضره الفقیه بزرگتر است» .

و صاحب روضات مینویسد : بعد از زمان علامه و شهیدین دیگر هیچ
 اثری از کتاب «مدینه العلم» دیده و شنیده نشده است .

شیخ طوسی در کتاب «فهرست» پس از ذکر نام **صدوق** به تعریف و تمجید
 و ثناء بر او پرداخته و میگوید وی قریب سیصد کتاب تألیف کرده است
 و میگوید :

«اخبارنی بجمیع کتبه و روایاته جماعه منهم الشیخ ابو عبدالله محمد ابن النعمان (شیخ مفید) ، و ابوالحیسن جعفر بن حسین بن حسکالقمی کلهم عنه» . .

نجاشی نیز میگوید: «اخبارنی بجمیع کتبه و قرأت بعضها علی والدی احمد بن العباس النجاشی و قال لی اجازنی جمیع کتبه لما سمعناها منه بیفداد» .

۳- تهذیب الأحکام :

این کتاب سومین کتاب از کتب اربعه است . نسخه اصل «تهذیب الأحکام» بخط خود **شیخ طوسی** در خزانه کتب **شهید ثانی** بوده و پس از وفات او نسخه مزبور باولاد او رسید و یداً بید تا زمان **سید محمد باقر خونساری** صاحب روضات یعنی تاحوالی سال ۱۲۷۰ هـ. هنوز این نسخه نفیسه در شهر اصفهان و در گنجینه کتب فرزندان شهید ثانی **شیخ علی بن محمد بن حسن بن شیخ زین الدین** در دارالسلطنه اصفهان موجود بوده است .

میگویند - از جمله صاحب روضات گفته است : در نسخه های تهذیب اشتباه ، اغلاط ، تحریف ، و تصحیف ، زیاده ، و نقصان فراوان است . و گویا سبب این بوده که نسخه اصل «تهذیب» بخط خود شیخ طوسی بی نهایت بدخط و مشوش و درهم و برهم بوده است بسیاری از کلمات و حروف به کلمات و حروف دیگر اشتباه شده است و در همان نسخه اصل دستخط شیخ روی بسیاری از کلمات که اشتباه بوده بعلامت بطلان خط کشیده شده ولی خط بطلان بطوری غیر واضح بوده که نساخ بآن توجه نکرده اند و عبارات و کلمات زیادی و خط خورده را در نسخه های بعدی

وارد کرده و نوشته‌اند .

وضع تهذیب الاحکام

از تتبع کتاب «تهذیب» چنین مستفاد می‌گردد که شیخ طوسی این کتاب را برای مطلق جمع احادیث اهل البیت که در فروع فقهی وارد شده نگاشته است اعم از احادیث متوافقه و متخالفه. خود شیخ، در کتاب «فهرست» نیز باین موضوع تصریح نموده می‌گوید: «و کتاب الاستبصار ممّا اختلف من الأخبار و هو مشتمل علی عدة کتب تهذیب الاحکام غیر ان هذا الكتاب مقصور علی ذکر ما اختلف من الأخبار والأول (یعنی الاستبصار) یجمع الخلاف والوافق» .

شیخ طوسی در آخر کتاب: «تهذیب الاحکام» مشایخ اجازه خود را ذکر کرده و از جمله چنین می‌گوید: «فما ذکرنا فی هذا الكتاب (تهذیب) عن محمد بن یعقوب الكلینی فقد اخبرنا به الشيخ ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان ره . عن ابی القاسم جعفر بن محمد بن یعقوب و اخبرنا به ایضاً الحسين بن عبدالله عن ابی غالب احمد بن محمد الرازی و ابی محمد هارون بن موسی التلعکبری و ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه و ابی عبدالله احمد بن ابی رافع الصیمری، و ابی الفضل الشیبانی و غیرهم کلهم عن محمد بن یعقوب الكلینی، و اخبرنا به ایضاً احمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر عن احمد بن ابی رافع و ابی الحسین عبدالکریم بن عبدالله ابن نصر البزاز بتسر و بغداد عن ابی جعفر محمد بن یعقوب الكلینی جمیع مصنفاته و احادیثه سماعاً و اجازةً ببغداد بباب الکوفه متصل بالسلسلة سنة سبع و عشرين و ثلثمائه» .

تهذیب مشتمل بر: ۱۳۵۹۰ حدیث میباشد .

۴- استبصار

چهارمین کتاب از کتب اربعه است، این کتاب نیز تألیف شیخ طوسی است. وی این کتاب را برای جمع میان احادیث متخالفه نگاشته است چنانکه خودش در فهرست باین نکته تصریح نموده است و سبب تألیف کتاب استبصار این است که :

وقتی شیخ طوسی شنید که ابوالحسین الهروی - که از طایفه حقه امامیه بوده - بواسطه برخورد به احادیث متناقضه و متخالفه از مذهب حق عدول نموده است، این بود که شیخ مفید - استاد شیخ طوسی بشاگرد خود شیخ طوسی - دستور داد که : (کتاب المقنعه) را شرح نماید، زیرا ملاحظه کرد که اشتغال به تألیف کتابی که مشتمل بر تأویل احادیث مختلفه و متخالفه باشد از اهم واجبات میباشد و از شرح کتاب مقنعه کتاب تهذیب بوجود آمد. سپس شیخ احادیث متخالفه را از تهذیب بیرون کشید و آنرا استبصار نامید .

شیخ طوسی درباره کتاب استبصار و تهذیب جمله ای را که قبلاً از فهرست وی نقل کردیم آورده است .

«استبصار» مشتمل بر ۵۵۱۱ حدیث میباشد :

باری این چهار کتاب که عبارت است از :

۱- کافی : تألیف ابوجعفر محمد بن یعقوب الکلینی الرازی

۲- من لایحضره الفقیه : تألیف ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه القمی

۳- تهذیب الأحکام: تألیف ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی

۴- استبصار: تألیف ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی

به کتب اربعه متداوله و مشهوره و معمول بها موسوم می باشند :

و اما کتب اربعه غیر مشهوره و غیر متداوله بنا بقول برخی از

دانشمندان عبارتند از :

- ۱- مدینه‌العلم: تألیف شیخ صدوق ابن بابویه
- ۲- خصال: تألیف شیخ صدوق ابن بابویه
- ۳- امالی: تألیف شیخ صدوق ابن بابویه یا امالی علم‌الهدی سیدمرتضی
- ۴- عیون اخبار الرضا: تألیف شیخ صدوق ابن بابویه

کتاب اربعه متأخره

- ۱- کتاب وسائل الشیعه: تألیف شیخ حر عاملی
 - ۲- کتاب مستدرک الوسائل: تألیف حسین بن محمد تقی النوری الطبری
 - ۳- کتاب وافى: تألیف مولی محسن فیض
 - ۴- کتاب بحار الأنوار: تألیف مجلسی، مولی محمد باقر
- این چهار کتاب در اعصار اخیر به کتب اربعه متأخره مشهور می‌باشند.

شروح و جوامع کتب اربعه :

کتاب اربعه در ادوار بعد نقطه انکاء و محور اباحت و تحقیقات فقها و محدثین بوده و بهمین جهت در ادوار مختلفه و متعاقبه شروح و تعالیق بر آنها نگاشته شده و جوامعی از آنها ترتیب یافته‌است، از جمله :

۱- کتاب وافى :

تألیف مولی محسن فیض محمد بن مرتضی المدعو به «محسن»، وی این کتاب را در جمع (جمع بمعنی لغوی آن) کتب اربعه نگاشته‌است یعنی در ابواب فقهی کتاب وافى آنچه از حدیث در آن مورد در کتب چهارگانه کتاب: «کافی» و «من لایحضره الفقیه» و «تهذیب الأحکام» و «استبصار»

وارد شده مولی محسن فیض همه را در یک کتاب جمع آوری نموده است .

۲- وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة :

یکی از کتب اربعه متاخره تألیف محمد بن حسن بن علی المعروف به شیخ حر عاملی است .

این کتاب در ۶ مجلد است و مشتمل است بر جمیع احادیث کتب اربعه قدیمه و حدود ۷۰ کتاب دیگر که همگی اخبار آنها را بترتیب ابواب فقهی جمع آوری نموده، و میانه اخبار متخالفه جمع کرده و وجوه جمع را نیز گفته است (روضات خوانساری ص ۶۴۴) .

شیخ حر عاملی در شب جمعه هشتم رجب سال ۱۰۳۳ هـ در قریه «مشفر» از قراء جبل عامل متولد گردیده و ۴۰ سال در بلاد جبل عامل اقامت داشت و سپس به شهر مشهد آمد و ۲۴ سال در این شهر مقدس اقامت گزید و سفری به اصفهان رفت و در بازگشت از سفر اصفهان در مشهد طوس در سال ۱۱۰۴ درگذشت. (روضات خوانساری، ص ۶۴۴ - ۶۴۶) .

۳- بحار الانوار :

تألیف مولی محمد باقر مجلسی بن مولی محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی. وی در سال ۱۰۹۰ هـ در عهد سلطنت شاه سلیمان صفوی میزیسته است و این شاه مرجعیت شرع دار السلطنه اصفهان را به وی واگذار نمود مولانا محمد باقر در شب ۲۷ رمضان سال ۱۱۱۰ هـ درگذشت و ماده تاریخ وفات او: «مقتدای جهان زپا افتاد» میباشد .

دو کتاب از کتب اربعه قدیمه: (تهذیب و کافی) را مجلسی خود

شرح کرد .

«من لا يحضره الفقيه» را پدرش شرح نمود .

«استبصار» را یکی از شاگردان مجلسی یعنی سید نعمت الله جزائری

بامر او شرح کرده است .

بزرگترین تألیف او «کتاب بحار» میباشد در ۲۵ مجلد، این کتاب ،

محتوی جمیع احادیث وارده از طریق ائمه میباشد. و یکی از کتب اربعه

متأخره محسوب است (روضات خوانساری ص ۱۱۸) .

اعتبار احادیث وارده در کتب اربعه :

صاحبان کتب اربعه بخصوص کلینی و طوسی پس از تنقیح و صرافیه

احادیث وارده در اصول و کتب اصحاب و توثیق روات و حصول اطمینان

بصحت آنها منتخب و برگزیده احادیث را در کتب خود یاد کرده اند .

صاحب مستدرک الوسائل می گوید: من اصول و کتب و کتب از اصحاب یافتیم

که از نظر صاحبان کتب اربعه امثال شیخ طوسی فوت شده است در صورتی

که معظم اصول و کتب را که وی در خاتمه ذکر کرده شیخ طوسی در فهرست

یاد نموده است مانند :

اصل زید الزرّاد

اصل زید النّرسی

کتاب نوادر علی بن اسباط

المسائل الصّاغانیّة

امثال این کتابها و (اصول) همه را مع الزیاده شیخ طوسی در فهرست

نام برده و از اخبار آنها چیزی نقل نکرده زیرا در اصالت و صحّت آنها

تردید داشته‌اند چنانکه خود صاحب مستدرک الوسائل در خاتمه ج ۳ میگوید «اصل زید نرسی و اصل زیدالزرّاد را از اصول موضوعه و ساختگی محسوب داشته‌اند».

و اما متأخرین از اصحاب حدیث امثال صاحبان وسائل و مستدرک الوسائل، و بحار پس از نقل احادیث کتب اربعه آنچه که بر آنها افزوده‌اند احادیث و اخباری است که از هر جا و با هر سند یافته‌اند ثبت و جمع‌آوری نموده‌اند.

ابن ادریس و کتب اربعه :

ابن ادریس حلی، نخستین کسی بوده از فقهای امامیه که در حجّیت اخبار کتب اربعه تردید و تشکیک روا داشته‌است.

وی یکی دیگر از مشاهیر علما و فقهای شیعه امامیه است که به «علم اصول الفقه» عمل کرده و ادله عقلیه را در فقه امامیه معمول بها قرار داده و اخبار کتب اربعه را اخبار آحاد دانسته‌است :

ابوعبدالله محمد بن احمد بن ادریس الحلی در نیمه دوم قرن ششم هجری در شهر (حله) - از بلاد بین النهرین - می‌زیسته و در حدود سال ۵۹۸ هجری درگذشته‌است.

ابن ادریس اخبار عامه و خاصه را اخبار آحاد میدانسته و بعقیده او این گونه اخبار برای مجتهد موجب حداقل «ظن» نمی‌شوند بنابراین، عمل بر موجب آنها را جایز نمی‌دانسته‌است.

وی فتاوی فقهی خود را بر اصول عقلیه بنیاد نهاده و بهمین سبب فتاوی زیادی دارد که با آراء و فتاوی جمهور فقهای امامیه مخالفت دارد.

تألیف فقهی مشهور ابن ادریس کتاب: «السرائر» میباشد که وی در این کتاب از عمل به خبر واحد خودداری نموده و اصول عقلیه را متَّبِع داشته است .

کتاب دیگر او: «النعلیقات» میباشد که عبارت از مجموع حواشی است که بر کتاب تبیان شیخ طوسی نوشته است . (روضات الجنات ص ۶۰۰ تا ص ۶۰۲) .